

An explanation of the role of geographical location in the formation and construction of Baghdad (145 AH)

Abolfazl Salmani gavari, ✉  Faraj allah Ahmadi 

1. Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: af.soleymani@ut.ac.ir

2. Corresponding author, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: fahmadi@ut.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-08-07

Received in revised form 2025-01-07

Accepted 2025-01-09

Available online 25 March 2025

Keywords:

Baghdad,
geographical location,
developing,
construction.
Abassian

In the history of urbanism, studying and recognizing the geographical and natural features of each region can play a major role in planning, locating, establishment, development and growth of the city and on the other hand it can minimize military invasion and natural hazards. Meanwhile, Mesopotamia is considered as one of the most important urban centers in human history due to its conditions; Being in a special geographical position in the region, Baghdad has played an important role in the developments of the Islamic world with the rise of the Abbasid rule and the establishment of the city (145 AH) as the center of the Islamic Caliphate. The main question of this research is what role of Baghdad's natural and geographical position in locating, shaping and developing it? This research studies the role of geographical location in construction - and development of Baghdad. The results indicate that the location, capacity and natural potentials such as soil and vegetation, temperature, slope, elevation, water and communication resources play an important role in the establishment and development of Baghdad in terms of urban structures and structures, agriculture, trade and industry.

Cite this article: Mahdavi, Mohammad Mehdi; Moghimi, Gholam Hassan; (2025). An explanation of the role of geographical

location in the formation and construction of Baghdad (145AH)33 (1), 30-7.

<http://doi.org/10.22034/MTE.2022.13314.1616>

<https://mte.journals.miu.ac.ir>



بررسی نقش عوامل طبیعی در مکان یابی و توسعه یافتن شهر بغداد (۱۴۵ هجری)

ابوالفضل سلمانی گواری^۱، فرج الله احمدی^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: af.soleymani@ut.ac.ir

۲. گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: fahmadi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

در طول تاریخ شهرسازی، بررسی و شناخت ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی هر ناحیه می‌تواند نقش عمده‌ای در امر برنامه‌ریزی، مکان‌یابی، استقرار، توسعه و رشد شهر ایفا نماید و از طرفی دیگر می‌تواند حمله‌های نظامی و مخاطره‌های طبیعی را به حداقل برساند. در این بین، میان‌رودان با توجه به شرایط زیست‌معمیشتی، وضعیت سوق‌الجیشی، همجواری تمدن‌های کهن، انباشت اقتصادی-فرهنگی و قدمت سکونتگاه‌های شهری و تغییرات فضایی که همواره در دوره‌های مختلف تاریخی رخ داده، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تمدن شهری در طول تاریخ بشر محسوب شده است. بغداد با قرارگیری در موقعیت خاص جغرافیایی منطقه با ظهور حاکمیت عباسیان و تغییرات حاکمیتی در جهان اسلام به‌عنوان مرکز خلافت اسلامی، نقش مهمی در تحولات اقتصادی-سیاسی جهان اسلام ایفا نموده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که موقعیت طبیعی و جغرافیایی بغداد در مکان‌یابی، شکل‌گیری و توسعه آن چه نقشی داشته است؟ این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی، به تبیین نقش موقعیت جغرافیایی در ساخت و توسعه بغداد خواهد پرداخت. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با استفاده از مدل‌ها و نقشه‌های جغرافیایی مشخص گردید که موقعیت سیاسی، طبیعی، ظرفیت و پتانسیل‌های نظیر خاک و پوشش گیاهی، دما و بارش، شیب زمین، ارتفاع، منابع آبی و وضعیت ارتباطی نقش مهمی در استقرار و توسعه بغداد داشته است و نقش این مؤلفه‌ها با توجه به تغییرات فضایی که رخ داد، تأثیر به‌سزایی در بنای آن به همراه داشته است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱/۲۵

کلیدواژه‌ها:

بغداد،

موقعیت جغرافیایی،

شکل‌گیری،

توسعه،

عباسیان،

استناد: سلمانی گواری، ابوالفضل؛ احمدی، فرج الله؛ (۱۴۰۴). بررسی نقش عوامل طبیعی در مکان یابی و توسعه یافتن شهر بغداد (۱۴۵ هجری)، ۳۳ (۱)، ۳۰-۷.



<http://doi.org/10.22034/MTE.2022.13314.1616>

<https://mte.journals.miu.ac.ir>



ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. © نویسندگان.

۱- مقدمه

پیدایش شهر یکی از بزرگ‌ترین تحولات فرهنگ بشری و نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی بود که موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با محیط پیرامون خود شده است. در خصوص علل شکل‌گیری اجتماعات مدنی نظریات متعددی بیان شده است که شهر را از جوانب مختلف نقد و بررسی کرده‌اند. به‌طور کلی قوانینی که با استفاده از تجربیات تمدن‌های گذشته، نیازهای فردی، اجتماعی و اقتصادی جامعه را برآورده می‌سازد، موجب شده است تا مؤرخان، جغرافی‌دانان، انسان‌شناسان و سیاست‌مداران دلایل مختلفی را برای ضرورت وجود شهر ارائه دهند که تعریف هر گروه متناسب با دیدگاه و عقاید آنان است.

حال با توجه به این دیدگاه، احداث شهرهای قدیم به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهایی مانند: مرکز نظام اداری و ساختاری نظامی برای کنترل حاکمیت، محلّی با برج و بارو برای حمایت و استقرار در مقابل تهاجم، مرکز تشکیل تمدن یکجانشینی و بالأخره ایجاد شهر به‌عنوان محلّ تجارت و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، تعریف‌هایی هستند که در دوره‌های مختلف، دلایلی برای اثبات وجود شهر به‌حساب آمده است؛ اما نقطه اشتراک همه شهرها با تمام خصایص و ویژگی‌های متفاوتشان، تمرکز و تجمع نیروهای انسانی در یک فضای مشخص است که با هدف برآورده‌ساختن خواسته‌های مشترکشان و در راستای متمدن‌شدن باهم به‌تعامل پرداخته و در جهت پیشرفت مدنی خود در تلاش بوده‌اند (اشرف، ۱۳۵۳، ۱۸-۲۱). در این میان عوامل متعددی در شکل‌گیری و مکان‌یابی وضعیت بنای شهرها دخیل بودند. با این توصیف انتخاب مکان شهر یکی از پیچیده‌ترین انواع تصمیم‌گیری‌های فضایی بود که خود در حوزه مدل‌های تصمیم‌گیری با عنوان تحلیل سازگاری زمین با نوع استفاده از آن و یا مکان‌یابی اراضی بهینه برای هر فعالیت قرار می‌گرفت. انجام مطالعات مکان‌یابی درست و مناسب به‌خصوص شناسایی شاخص‌های تأثیرگذار طبیعی (موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی، دسترسی به منابع آبی، راه‌های ارتباطی) در فرآیند مکان‌یابی شهر، نقش مؤثری در توسعه پایدار داشته است (lassner.1968.26-28)؛ در این مقاله مروری بر سابقه بنای شهر بغداد و تأثیر عوامل محیطی و جغرافیایی، روند شکل‌گیری آن‌ها و شاخص‌های مکان‌یابی تأثیرگذار در رشد و توسعه آن شده است. در مورد پیشینه تحقیق تاکنون مقالاتی که با چنین رویکردی به موضوع پرداخته باشد، بسیار کم بوده است. مقاله‌ی بررسی تأثیر ساختار زیست محیطی بغداد بر بیماری و مرگ و میر در دوره (اول) خلافت عباسیان (۱۴۰) نوشته شکرالله خاکرند و زینب کریمی صرفاً به تأثیر ساختار محیطی بر بیماری‌ها پرداخته و در مورد شرایط طبیعی توسعه شهر توضیحی ندارد. کتابی دیگر با نام بغداد (چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی) (۱۳۷۵)، حاوی چهار مقاله تحقیقی ارزشمند در زمینه تاریخ و جغرافیای تاریخی بغداد است. بغداد از این جهت دارای اهمیت است که شناخت درست از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حکومت پانصد ساله عباسی بدون

آگاهی کامل از شهر بغداد ممکن نیست. این کتاب نیز تکیه بیشتر بر تحولات و تغییرات سیاسی در طول پنج سده است و اشاره کوتاه به مساله موقعیت طبیعی و تاثیر بر توسعه شهر را دارد. لذا با توجه به رویکرد جغرافیایی ما اهمیت این موضوع بیش از پیش خواهد بود. از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه فیزیکی شهرها می‌توان به شرایطی از جمله موقعیت جغرافیایی، ارتفاع از سطح دریا، شکل ناهمواری، آب و هوا، دما و بارش سالیانه، خاک و پوشش گیاهی، شبکه آب‌ها و موقعیت ارتباطی آن‌ها اشاره کرد (اشرف، ۱۳۵۳، ۱۸-۱۵). هرکدام از این‌ها به صورت مجزا یا مشترک بر شرایط حاکم، جغرافیای منطقه و سیمای شهرها مؤثر بودند؛ در این میان خلفای عباسی با توجه به اهمیت موقعیت جغرافیایی و طبیعی، شهر بغداد را در مرکز بین‌النهرین بنا کردند که این شرایط موجب شکل‌گیری، استقرار و توسعه بغداد گردید. در ادامه به این مؤلفه‌های تأثیرگذار جغرافیایی و طبیعی در شکل‌گیری و توسعه آن خواهیم پرداخت:

۲- موقعیت و وجه تسمیه بغداد قبل از ظهور عباسیان

سابقه مدنیت و سکونت در بین‌النهرین به دوره باستان بازمی‌گشت که تغییرات سیاسی و اقتصادی، موجب اهمیت یافتن آن شده بود. آغاز عصر فتوحات و برآمدن امویان در شام تا حدودی جایگاه آن را متزلزل ساخت؛ با شکل‌گیری خلافت عباسی و انتقال قدرت به بین‌النهرین و تغییر فضای حاکمیتی موجب شد تا مجدداً موقعیت ویژه‌ای کسب نماید (۸۹۷-۱/۸۹۹: ۱۹۸۶: Gibb &...). مورخین موقعیت بغداد را با بابل و گاهی با تیسفون یکی دانسته و در گزارش‌های خود آن را بابل، (بابلونیا) می‌خواندند (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۸-۶). بغداد واژه‌ای ایرانی مرکب از دو جزء *bag* و *baga* ~ *dāt* ~ *dāta* به معنای «خداداد»، «آفریده خدا» که در فارسی باستان به صورت *baga.dāta*، در فارسی میانه به صورت *bkd't* تلفظ: *BaYdad* یا به شیوه آوانویسی قدیم: *Bagdāt* آمده است. این واژه در سغدی *baga* به معنای خدا و جانشین «مهر» به کار رفته است (دایره المعارف بزرگ اسلامی. ذیل واژه بغداد). سابقه این نام در معنای اخیر به عصر هخامنشی باز می‌گردد و کتیبه‌های میخی رواج آن را تأیید می‌کنند، چنانکه به روزگار اردشیر دراز دست (۴۶۵-۴۲۵ ق م) از شهری به نام بیت بگ داته نزدیک نیپور یاد شده است. احتمالاً در عراق املاک دیگری نیز، متعلق به اشراف ایرانی، به نامهایی شبیه به این و رایج در آن روزگار موسوم بوده است. در تلمود هم از جایی به نام باگدات ظاهراً در همین سرزمین، یاد شده است (مسعودی، ۱۳۴۹: ۸۹۹-۸۹۷؛ مستوفی، ۱۳۷۸: ۳۴-۳۳).

اما مهم‌ترین و مشهورترین موضع موسوم به بغداد، شهر معروفی است در کنار دجله که از ایام منصور عباسی، مرکز خلافت اسلامی شد. نویسندگان دوره اسلامی درباره وجه تسمیه و اشتقاق واژه بغداد روایاتی آورده‌اند که غالباً عامیانه و بی‌اعتبار است؛ چون عربها کلمات غیر عربی را به صورتهای مختلف تحریف می‌کردند، اینجا را

نیز به شکل‌های بغداد، بغداد، بغداد، بغداد و مغدان خوانده‌اند و حتی ضبط بغداد را در برخی اشعار عرب هم می‌توان دید. (خطیب، ۱ / ۵۹، ۶۲). درباره بغداد پیش از عصر اسلامی، به خاطر کمبود منابع ایرانی، اطلاعات اندکی در دست است، در عصر ساسانی، آباده ای از مراکز بازرگانی مداین بود و بازارهای بزرگ سالیانه در آن تشکیل می‌شد و به همین سبب، در منابع کهن اسلامی از آن به صورت سوق بغداد هم یاد کرده‌اند. در سلسله جنگ‌های فتوحات اسلامی، از این موضع به کرات یاد شده است. چنانکه آورده‌اند در ۵۱۲ هـ. / ۶۳۳ م، پس از پیکار دومه الجندل برخی از سران ایرانی از بغداد برای کمک به قبایل عرب هم پیمان خود، به انبار رفتند. در همین سال یا ۵۱۳ هـ. مثنی بن حارثه به دلالت مردی از مردم حیره - که او را از اجتماع بازرگانان در بغداد آگهی می‌داد و آنجا را بیت‌المال آنان می‌خواند - این شهرک را به باد غارت داد. از این نکته که وی به جنگ‌جویانش دستور داد از بغداد جز طلا و نقره برنگیرند و این غارتگران اموال بسیار به چنگ آوردند، میزان ثروت آنجا دانسته می‌شود (طبری، ۱۳۸۷، ۳ / ۳۷۹، ۳۸۵، ۴۷۲-۴۷۴؛ بلاذری، ۱ / ۲۴۷؛ خطیب، ۱ / ۲۶).

در برخی روایتها که آورده‌اند ایرانیان رستم فرخزاد و فیروزان را به سبب چیرگی عرب بر مناطقی چون بغداد، مورد سرزنش و تهدید قرار دادند (طبری، ۱۳۸۷، ۳ / ۴۷۷)، چنین برمی‌آید که این موضع دارای اهمیت نظامی یا اقتصادی بوده است. بغداد در سالهای بعدی نیز محل برخی حوادث مهم بوده است؛ چنانکه آورده‌اند در ۳۷ ق / ۶۵۷ م میان عبدالله بن وهب راسبی، فرمانده خوارج اولیه با یاران امام علی (ع) در بغداد جنگ شد. در همین روایت حتی از کرخ، محله بسیار مشهور و شیعه نشین بغداد عصر عباسی یاد شده است (همو، ۵ / ۷۶). در ۷۶ ق / ۶۹۵ م به روزگار عبدالملک مروان، در ایام جنگ خوارج با حجاج بن یوسف هم بغداد هنوز دایر بوده، و بازارهای مهم داشته است. بغداد از جمله مواضع ولایت سواد به شمار می‌رفت که برخی از فقها آن را مفتوح عنوه، و برخی مفتوح به صلح دانسته اند و به همین سبب درباره جواز خرید و فروش اراضی آنجا آراء متفاوت ابراز کرده‌اند (خطیب، ۱ / ۴، ۱۳-۱۶). فقها همچنین نام بغداد را بدان سبب که می‌گفتند بغ در اصل نام بتی بوده است، مکروه می‌داشتند و گویا به همین سبب وقتی منصور عباسی آن را در ۱۴۵ ق / ۷۶۲ م توسعه داد و بازسازی کرد و پایتخت گردانید، نامش را از بغداد به مدینه السلام تغییر داد؛ زیرا دجله را نیز در آن وقت وادی السلام می‌نامیدند (بلاذری، ۱ / ۲۸۵، ۲۹۳؛ خطیب، ۱ / ۵۸). گرچه نام کهن همچنان باقی ماند و شهرت و رواج بیشتر یافت. اما اینکه برخی گفته‌اند منصور نخستین بار آنجا را بغداد نامید، پیداست که وجهی ندارد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۸۸/۱). در دوران اسلامی، بغداد را مدینه منصور، مدینه ابی جعفر و الزوراء نیز می‌خواندند (طبری، ۱۳۸۷، ۹ / ۳۱۹؛ خطیب، ۱ / ۳۹، ۱۴ / ۳۲۳).

۳- مکان یابی و علت بنای شهر

همواره در طول تاریخ تغییرات سیاسی و اجتماعی که در بستر جوامع رخ داده، موجب شده که هر حکومت جدیدی یا خاندانی که به قدرت رسیده، پایگاه یا پایتختی نو برای خود مهیا نمایند تا علاوه بر تأکید قدرت، موجودیت سیاسی خود را متمایز جلوه دهند. با ظهور حاکمیت عباسیان در منطقه بین‌النهرین و بنای بغداد به عنوان دارالخلافه، اهمیت سیاسی و اقتصادی آن دوچندان گردید. این شهر از اواسط سده دوم هجری به یکی از مراکز اصلی تحولات اقتصادی-سیاسی جهان اسلام تعیین شد که با توجه به قرارگیری در موقعیت جغرافیایی خاص (مرز اتصال بین دو جهان شرق و غرب) نقش ممتازی در عرصه دگرگونی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی پیدا نمود (طبری، ۱۳۸۷: ۷/۶۱۴)؛ چنین به نظر می آید که انتخاب مکان استقرار عباسیان دلایل مختلفی داشت که از جمله شرایط آن وضعیت استراتژیکی منطقه، موقعیت آب و هوایی، مکان جغرافیایی مناسب و خاک حاصلخیز بوده است. چنانچه یعقوبی در این باره می گوید: اعتدال هوا و حاصلخیزی زمین و آب گوارا شهری که نه مانند شام دارای آب و هوایی بد و زمین ناهموار و طاعون بسیار و نه مانند مصر که دارای آب و هوایی متغیر و باد بسیار و پر از بخارهای بد که منشأ تولید بیماری ها و فاسدشدن غذاهاست، نه مانند ارمنستان که دوردست، سردسیر و ناهموار که دشمنان پیرامون آن را گرفته اند و نه مانند جبل ناهموار پر برف و نه مانند خراسان که در خاور دور پیش رفته و از هر طرفش دشمن سرسخت بدان احاطه کرده و نه مانند حجاز که زندگی در آن دشوار است، بغداد دارای درختان تنومند و بارور، میوه های خوشمزه و سالم و کشت و زرع فراوان بود. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۴) موقعیت استراتژیکی، جغرافیایی و تجاری آن به لحاظ نزدیکی به دو رودخانه بزرگ دجله و فرات که از لحاظ بازرگانی اهمیت فوق العاده ای داشت و با این انتخاب می توانست بر تجارت جهانی سیطره و اشراف پیدا نماید. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۱/۲۴-۲۲؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱/۱۷۹) این شهر درجایی بود که یک شبکه وسیع کانال های آبیاری به زمین های مزروعی گسترده ای آب می رسانید و آن ها را حاصلخیز و غنی می ساخت؛ از این رو غذای فراوان برای ساکنان شهر بزرگ و مالیات های زیادی برای حکومت تأمین می شد و از نظر استراتژیک نیز درخشان بود؛ (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۷۸؛ اصطخری، بی تا: ۵۹-۵۶) زیرا به راه هایی که به ایران و زمین های ماورای جزیره، قسمت شمالی عراق منتهی می شد، تسلط داشت. موقعیت دفاعی بغداد نیز اهمیت زیادی داشت، چنانچه دجله و فرات مانند یک خندق عمل می کردند و حالت تدافعی داشت (Gibb ۱۹۸۶: ۱/۹۰۶-۹۰۸) در این میان عوامل سیاسی و شرایط امنیتی و اجتماعی ایجاب می کرد که پایتخت جدیدی بنا گردد؛ چراکه با آغاز قیام راوندیه در هاشمیه که محل تجمع شیعیان بود و گرایش به امام علی (ع) داشتند، منصور عباسی این شهر را مناسب برای پایتخت خود نمی دید. (دینوری، ۱۳۷۱ ش: ۴۲۴) (بلعی، ۱۳۸۰: ۱۰۹۴/۴) عباسیان به جای اتکا و اعتماد به عرب های مستقر در شامات به نیروهای مرکب از اعراب مستقر در

ایران و نومسلمانان یعنی «موالی» اتکا داشتند که بیشترشان اهل خراسان دوردست بودند. همچنین واضح بود که دمشق نمی‌توانست همانند گذشته خود، پایتخت سیاسی عالم اسلامی باشد؛ زیرا میان مردم این سرزمین علاقه و نفوذ معنوی امویان وجود داشت و نکته دیگر اینکه از مرکز خراسانیان طرفدار دولت عباسی بسیار دور بود (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۵۸-۵۶). با این توصیف چنین به نظر می‌آید که تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی و جابه‌جایی فضایی که در سده دوم هجری رخ داد، در کنار موقعیت جغرافیایی آن، نقش پررنگی در انتخاب مکان بنای بغداد و تأسیس دارالخلافه عباسی داشته است.

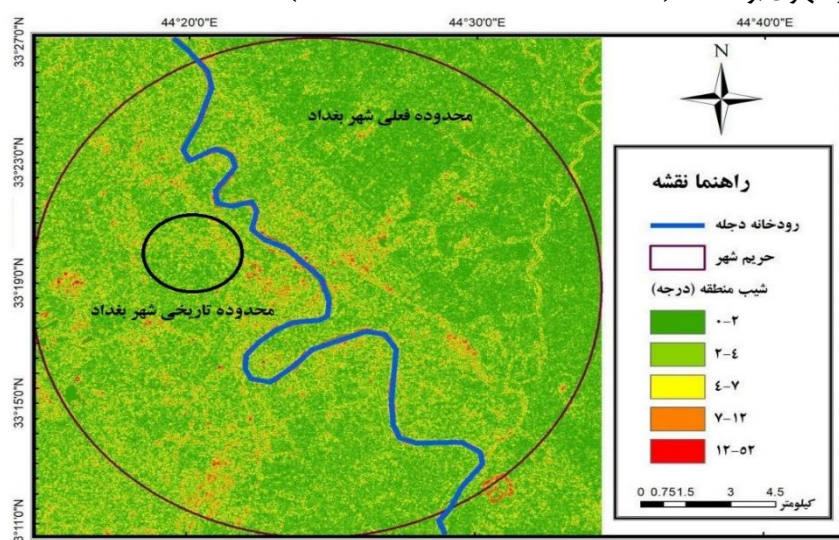
۱-۳. خاک و کشاورزی

کشاورزی همواره به‌عنوان اولین منبع تأمین اقتصادی در جوامع پیشامدرن مطرح بوده است، با توجه به این مسئله، یکی از ارکان مهم زندگی بشر کشاورزی است که به‌عنوان عنصر مادّی شناخته‌شده و تا حدودی زیربنای جامعه به‌حساب می‌آید که در تدابیر اقتصادی از جایگاه بالایی برخوردار است. این خطّه (بین‌النهرین) در واقع از گسترهٔ خاکی بسیار وسیع و همواری پدید آمده است که از جانب مشرق در پناه جنبهٔ عظیم زاگرس قرار دارد، در صورتی که از طرف غرب با شیبی ملایم به‌سوی بیابان شام بالا می‌رود. چهرهٔ خاک بین‌النهرین از بغداد تا خلیج فارس به‌صورت شگفت‌آوری متفاوت است و آب در آن، برخلاف جزیره، نقشی عمده دارد. ناهماهنگی این بخش با بیابان شام در طول انحنای بزرگی که از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارد، چشمگیرتر است. در این -خمیدگی که خود يك پيشدرّه نشستی سنگی است، تختان پیش کامبرایی^۱ و پوشش رسوبی آن به زیر خاکریز آبرفتی فرورفته است. در پای زاگرس مخروط‌ها یا پنجه‌های آبرفتی^۲ عظیمی در کنار هم قرار دارند به طوری که تنها با ترازبایی‌های دقیق می‌توان از شکل و ابعاد آن‌ها تعریفی درست به دست داد (Jacob Lassner, ۱۹۷۰: ۳۹-۴۱)؛ زیرا شعاع پایهٔ آن‌ها به‌حدی بزرگ و شیب آن‌ها به‌قدری کُند است که شیب دشت‌هایی با ابعاد نامحدود به‌نظر می‌آیند. این پنجه‌های آبرفتی که از دهانهٔ تنگه‌های زاگرس یا از درّه‌های عرضی چین‌خوردگی‌های کوهستانی واقع در دامنهٔ این رشته‌کوه آغاز می‌شود، برای زندگی مردم دارای اهمیت بسیار بوده است؛ زیرا آبشان بخوبی زهکشی می‌شود و کوهپایه‌ای خشک پدید می‌آورد که اگر آبیاری شود، برای کشت مناسب است. میان این کوهپایه و بیابان، سرزمینی که به‌معنی اخص بین‌النهرین خوانده می‌شود، گسترده شده بود. خطّه‌ای که دجله و فرات در میان جلگه‌های آن روان است و منطقه‌ای نیمه‌خاکی-نیمه‌آبی است که در آن سرریز طغیان-

۱. Le Socle Precambrian. تختان به زمین افقی و تقریباً هموار کنارهٔ رودخانه یا لبهٔ درّه، و پیش کامبرایی به دورهٔ زمین‌شناسی پیش از دوران دیرزیوی که در حدود ششصد میلیون سال پیش پایان یافته است، گفته می‌شود.

۲. Cones de dejection رسوبات پنجه‌ای شکل که یک رودخانه پس از عبور از یک گذرگاه تنگ و ورود به یک دشت پهناور از خود به‌جای می‌گذارد.

ها به مناطق پست «هور»، که خود سراسر دریاچه و مرداب است، فرو می‌ریزد. Jacob (۱۹۶۳، vol ۸۳، ۴۶۴-۴۶۹). با این نگاه، آب در بین‌النهرین، به دلیل خشکی اقلیمش، نقشی اساسی ایفا می‌کند. حال با توجه به ویژگی‌های طبیعی مساعد منطقه برای زراعت و تأمین تغذیه می‌بینیم که اهمیت آن در مکان‌یابی شهر بالا بوده است. دشت‌های آبرفتی و زمین‌های حاصلخیز بغداد چشم طمع هر فاتحی را به خود جلب می‌کرده است. رود دجله از وسط شهر بغداد می‌گذرد و پس از تلاقی با رود فرات به شط‌العرب موسوم میگردد. (مستوفی، ۱۳۷۸: ۳۴) وجود خاک مناسب و زمین‌های آبرفتی حاصلخیز از عوامل مثبت و تأثیرگذار جغرافیایی است که سبب رشد و رونق کشاورزی و به تبع موقعیت اقتصاد منطقه و مردم آن شده است. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۱-۱۳) (Khalil's, ۱۹۷۴: ۲/۲۸-۲۵) (Pao-Yu Oei, ۲۰۱۴: ۸-۹) سرزمین بغداد از لحاظ آب و هوا، ارتفاع، شیب، خاک و منابع آبرفتی برای استقرار یک شهر بسیار مناسب بود؛ نقشه شیب این شهر نشان می‌دهد بالای ۹۰ درصد از سطح شهر دارای شیب ۰ تا ۴ و از نظر جغرافیایی در محدوده بهترین شیب برای استقرار شهری بوده است (Jacob Lassner, ۱۹۷۰: ۶۷-۷۱)



شکل ۱: نقشه شیب محدوده شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

نوع خاک، شیب زمین و مساعدبودن ناحیه برای استقرار شهری، نشان می‌دهد که این شرایط اهمیت به‌سزایی در مکان‌یابی و توسعه بغداد داشته است. حکومت اسلامی نیز برای تداوم حیات اقتصادی مباحثی چون حمایت از کشت و زرع در زمین‌های بایر را در مباحث نظری فقه اسلامی بازتاب داده و حتی از آن به‌عنوان عبادت یاد کرده است. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۱-۱۳) اصلاحات خلفا در دوره عباسی از جمله مهدی عباسی و اقدامات مأمون در باغ و

بوستان‌ها، همچنین نظارت بر چگونگی غرس کردن گل‌ها و گیاهان در رسیدن به محصولات بیشتر و بهتر بیانگر اهمیت موضوع کشاورزی است. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۵/۱) علاقه معتمد و واثق به امر زراعت، حاکی از جایگاه مهم این رکن از اقتصاد در توسعه بغداد است (یعقوبی، ۸۴۲۲، ۳۶-۳۷)؛ این موضوع را می‌توان با یک نمونه موردی در حدیث «الزراعُ تاجرٌ ربّه» مثال زد و به جایگاه برجسته کشاوری در اسلام پی برد. (طباطبائی، ۱۳۶۱: ۱۵۶/۱)

بر اساس گزارش‌های منابع تاریخی و جغرافیایی به نظر می‌رسد در دوره آغازین عباسیان توجه به رشد و تطور کشاورزی یکی از اهداف اصلی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بود و منابع طبیعی از زمین‌های کشاورزی با بستر سازی اقتصادی و صرف هزینه مورد توجه قرار گرفت؛ (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۸۰۷، ۲) به طوری که در بغداد و نواحی پیرامون آن بنا بر سیاست‌گذاری خلفا، هر کس به عمران زمین بایری می‌پرداخت، زمین از آن او می‌شد. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۷: ۱، Sayyad, Nezar، ۱۹۹۱: ۵۵-۵۴) بی‌شک افزایش سکونت جمعیت و تامین نیاز به خوراک از مهم‌ترین علل رونق اقتصاد کشاورزی بغداد بود. در این دوره، رشد شهرنشینی نیز همزمان با توسعه شهرسازی در اطراف دجله و فرات موجب افزایش تقاضای جوامع شهری و در نهایت رونق کشاورزی گردید؛ (لسترنج، ۱۳۶۴: ۸۹) تا جایی که بسیاری از منابع جغرافیایی در این دوره به کشاورزی پُرونق در بیشتر نواحی بین‌النهرین سفلی به سبب حاصلخیزی ناشی از وجود رافدین اشاره داشته‌اند و اساساً هر جا که یکجانشینی و شهرنشینی رشد و توسعه داشت، نیاز به محصولات کشاورزی و خوراک برای جمعیت آن گسترش می‌یافت.

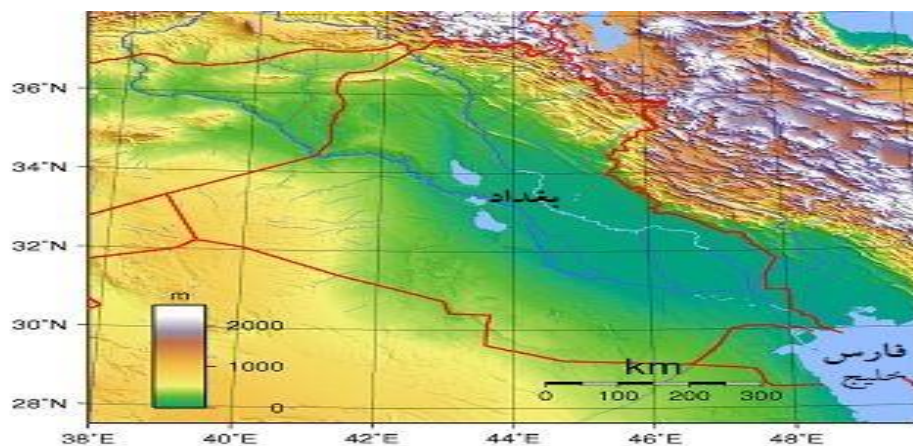
گسترش یکجانشینی به تدریج زمینه رونق کشاورزی را فراهم نمود که از آن جمله می‌توان به پرورش و کاشت محصولات چوبی چون خرما که با شرایط آب و هوایی این مناطق سازگاری زیادی دارد، اشاره کرد. این امر ماهیت پادگانی و نظامی برخی از شهرها را به سمت ماهیت شهرنشینی و کشاورزی تغییر داد و رکن مهمی در توسعه اقتصادی محسوب شدند. (قزوینی، ۱۹۹۸: ۳۱۳) کشاورزان مسلمان نیز به علت تعامل با مردم بومی پس از فتح سرزمین‌ها با نحوه کشاورزی و باغداری آشنا شده و در زمره کشاورزان متبخر در آمدند و با توجه به شرایط اقلیمی نواحی و پی‌بردن به اهمیت کوددهی زمین، کشاورزی پُرونقی را در شهرهای حوالی دجله و فرات به وجود آوردند که نقش اساسی در رشد و پیشرفت اقتصادی بغداد داشت. (مستوفی، ۱۳۷۸: ۷۳)

به طور کلی چگونگی زراعت در هر منطقه با شرایط اقلیمی سرزمین‌ها از جمله آب و هوا، ساختار زمین‌شناسی و منابع آبی مرتبط است. در شرایط طبیعی گوناگون، نوع و میزان برداشت محصول نیز تفاوت خواهد داشت؛ هرچند که نحوه آبیاری نیز در تفاوت میزان و نوع محصول بی‌تأثیر نخواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت در حاشیه دو رود دجله و فرات و با توجه به وجود نهرها و شاخه‌های منشعب از رودها تنوع محصولات کشاورزی و قابلیت بهره‌وری بیشتر در محصولات کشاورزی دیده می‌شود. محصول خرما در دوره‌های مختلف تاریخی در حدی بود که خوراک اصلی مردم بغداد را تشکیل می‌داد و شهرتش به گونه‌ای بود که از بصره تا یمن و هجر به

«مزرعه خرماي جهان» معروف گردید (اصطخری، بی تا: ۹۱؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۸/۱؛ ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰) محصول دیگری که در بغداد رشد چشمگیری داشت، برنج بود. (ابن وحشیه، ۱۴۱۸: ۴۷/۱) از آنجا که رشد برنج نیازمند آب فراوان است، می‌طلبید که با حفر کانال، قنوات و نحوه آبیاری سازماندهی شده، شرایط رشد این محصول را فراهم کرد (لسترنج، ۱۴۲۷: ۹۳) و چون برنج تابستانی بهتر از زمستانی است، در هوای گرم بغداد تنها با یک سیستم آبرسانی منظم که بی‌شک در کانون توجه نهادهای حکومتی بود، امکان کشت این ماده غذایی را که نقش مؤثری در شکوفایی اقتصادی بغداد، چه از طریق صادرات و چه تأمین غذای ساکنان داشته، مهیا شود. (ابن وحشیه، ۱۴۱۸: ۴۸/۱)

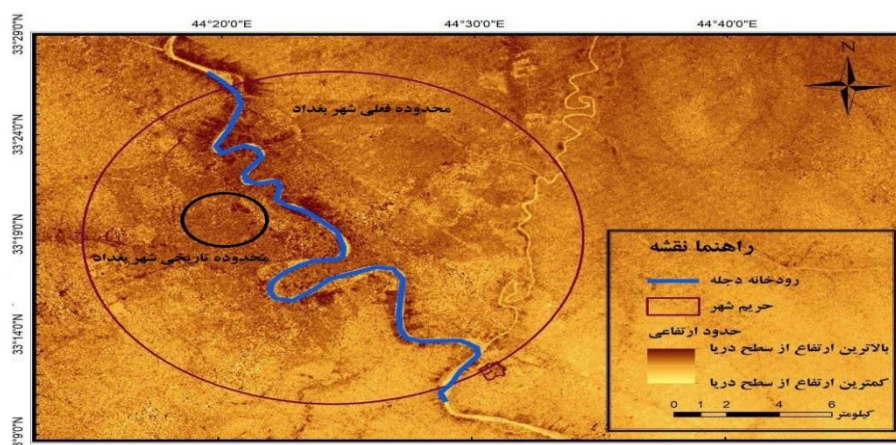
۲-۳. توپوگرافی بغداد

به مطالعه سطح زمین برای تعیین عوارض طبیعی (کوه، دره، رود) و عوارض مصنوعی (جاده، ساختمان و غیره)، عارضه نگاری یا اصطلاحاً «توپوگرافی» (Topography) می‌گویند؛ لذا ساختار زمین‌شناسی و نوع اقلیم هر منطقه می‌تواند نقش به‌سزایی در ساختار اقتصادی آن داشته باشد. توپوگرافی و شرایط طبیعی بغداد که در این منطقه نقش تعیین‌کننده زیستگاه آدمی را داشته، راه‌های عبور و مرور را نیز رقم زده است. هدف از وجود این راه‌ها ایجاد ارتباط میان جوامع انسانی و از میان برداشتن حداکثر موانع موجود در این مسیر است. بنابراین از آنجا که مردم بر کرانه‌های این رودخانه‌های بزرگ و نه‌رهای منشعب از آن‌ها، یعنی آنجا که دیوارها و آب‌بندها جای دارد، گرد آمده‌اند، همین دیوارها به صورت راه‌های طبیعی عبور و مرور نیز به کار رفته است؛ (Pao-Yu، ۱۰-۱۲: ۲۰۱۴، Oei) برعکس، نقاط پست بین‌النهرین که محل دریاچه‌ها و باتلاق‌ها یا نقاطی است که به‌آسانی در طغیان آب غرق می‌شوند، همواره خود موجد موانعی بوده‌اند که هزاربار از کوهستان‌ها صعب‌العبورترند و هیچ‌گاه جاده بزرگی از میان آن‌ها گذر نکرده است. در واقع فراوانی مسیرهای رفت‌وآمد ساخته دست بشر در بغداد و توپوگرافی آن، نقش به‌سزایی در ساخت و شکل‌گیری شهر داشته است.



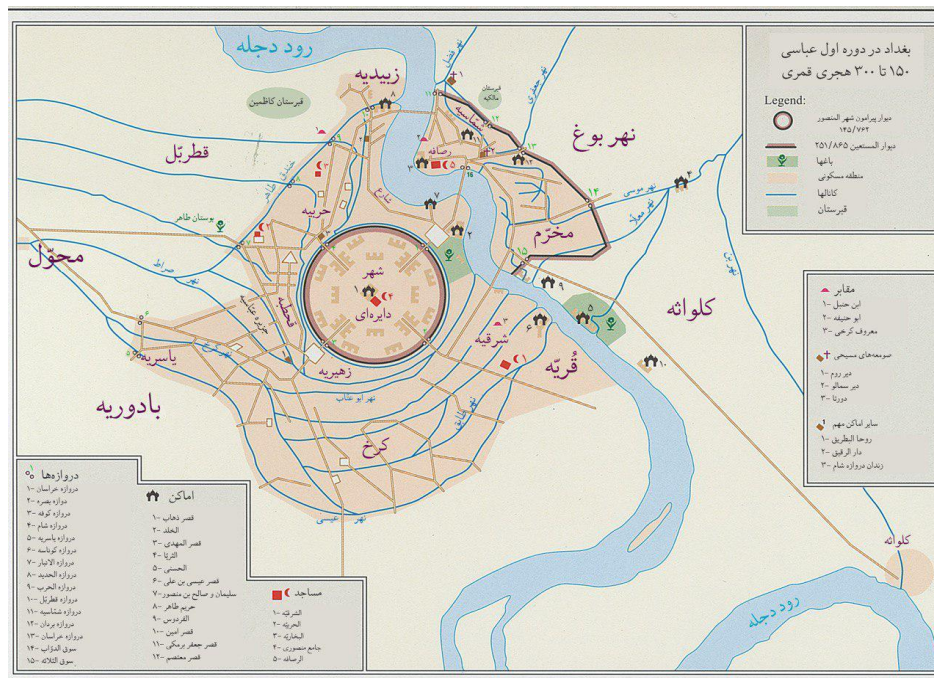
شکل ۲: توپوگرافی شهر بغداد

در ساختار توپوگرافی منطقه، پل‌ها همواره نقش اساسی در ایجاد ارتباط مابین دو ناحیه که در جوانب مختلف یک رود یا نهر قرار دارند، ایفا کرده‌اند. به نظر می‌رسد کارکرد حمل و نقلی و مواصلاتی آن‌ها در ایجاد ارتباط از عوامل اصلی اقدام حکومت‌ها به تأسیس آن‌ها است. از نمونه‌های پل‌سازی و مرمت پل‌های به‌جای مانده از عصر ساسانی در دوره عباسی، می‌توان به پلی بر روی نهر نهروان اشاره کرد که وظیفه ارتباط دو ناحیه را داشت. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۲۰۵) در کنار سازه‌های به‌جای مانده از ساسانیان، عباسیان نیز به ساخت انواع پل‌ها پرداخته‌اند که از جمله مهم‌ترین آن می‌توان به پل پوران (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۵۳) در زمان خلافت مأمون که بنا به دستور زوجه مأمون احداث گردید و پل وصیف که بر روی نهری منشعب از دجله توسط وصیف، سرکرده قراولان خاصه معتصم عباسی (حك، ۲۱۸ هـ) ساخته شد، اشاره کرد. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۷۳)



شکل ۳. نقشه ارتفاع محدوده شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

علاوه بر این‌ها در کنار پل‌های تأسیس شده بر روی نهرهای مصنوعی، بر سرشاخه اصلی دجله نیز پیش از ساخت بغداد، طاقی ساخته شده بود که مردم بر سر آن طاق گذر می‌کردند که همه این سازه‌ها در فراهم کردن زمینه‌های رفاه و سرعت بخشی به توسعه ارتباط از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بود. در کنار نهرها و شعب متعدد آن احداث سدها به عنوان سازه‌های مکمل نهرها، بخش دیگری از سیاست دولت‌ها است. از سوی دیگر، احداث سدها نقش بارزی در کنترل و هدایت جریان آب و رونق شهرنشینی در نواحی مختلف عراق ایفا می‌کرد؛ زیرا که تأسیسات آب‌رسانی منجر به گسترش شهرنشینی و بالطبع گسترش شهرنشینی منجر به روی آوردن جوامع به تولید کشاورزی و در نهایت شکوفایی اقتصادی می‌شد. (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۷۵/۱) در بخش سازه‌های مرتبط با دجله نیز پل‌هایی برای انجام فعالیت‌های ارتباطی احداث گردید که می‌توان تا حدودی میان ساخت این سازه‌ها با سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت‌ها ارتباط مستقیمی برقرار نمود. این سیاست‌ها به منظور گسترش فعالیت‌های ارتباطی و تجاری بوده و از این حیث شناسایی پل‌ها از جوانب مختلف حائز اهمیت است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به پل کوئی بر روی نهر ملک که از سنگ و چوب ساخته شده بوده و گذرگاه افرادی بود که از بغداد به سوی کوفه در حرکت بودند، اشاره کرد. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۶-۱۳؛ Lassner, Jacob، ۱۹۷۰: ۴۵۹-۴۶۰) همچنین باید از پلی معروف به پل دُمّا روی نهر عیسی که ساحل فرات را به دهکده فلوچه اتصال می‌داد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۱۵۲/۱)، پلی بر نهر صرصر که راه کوفه از آن می‌گذشته (ادریسی، ۱۴۰۹: ۶۸۸/۲) است، پل تعبیه شده بر نهر ملک، قنطره الماسی بر نهر نیل و پل قامغان بر روی نهر سورا و همچنین پل رومیان بر نهر گرخایا که از فرات منشعب می‌شود، نام برد (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۶) که همگی از جایگاه مهمی، هم در گسترش فعالیت‌های تجاری و هم ارتباطات شهری بغداد، برخوردار بوده‌اند.



شکل ۴: ساختار تأسیسات شهری بغداد در دوره اول خلافت عباسی (۱۵۰ - ۳۰۰ هـ) (ترسیم نگارندگان)

با توجه به توپوگرافی ناحیه، راه به عنوان یک عامل بسیار مهم و مؤثر، پیشینه‌ای طولانی و نقشی با اهمیت در ایجاد شبکه ارتباطی در برقراری مناسبات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در اجتماعات بشری به‌ویژه در شکل‌گیری شهر و بالاخص در پویایی و تحرکات اقتصادی بغداد داشته است؛ زیرا راه به مثابه شریان ارتباطی حیات‌بخش میان اعضای بدن انسان است که ارتباط‌دهنده و در مواردی اداره‌کننده فعالیت‌ها و تحرکات روزمره و قلب تپنده مبادلات به‌شمار می‌رود. شبکه‌های ارتباطی و جاده‌ها بخش مهمی از سرمایه‌های اقتصادی هر منطقه‌ای محسوب می‌شود که به دلیل اهمیتی که در حیات سیاسی و اقتصادی جوامع دارند، حکومت‌های متمرکز در طول تاریخ توجه خاصی به توسعه، نگهداری و تجهیز راه‌ها نشان می‌دادند. در دوره خلافت عباسیان نیز با انتقال مرکز خلافت جهان اسلام از شام به بغداد و تثبیت پایه‌های خلافت عباسیان، با توجه به موقعیت بغداد و قرار گرفتن آن در مسیر راه‌های شرق و غرب خلافت اسلامی توجه خاصی به راه‌ها شد که موجب رشد اقتصادی بغداد در دوره مورد نظر گردید. با توجه به اهمیت مسئله در این بخش به تأثیر راه و جاده‌های بغداد و نقش آن‌ها در تغییرات و تحولات شکل‌گیری و مکان‌یابی بغداد خواهیم پرداخت.

منصور در سال ۱۴۵ هـ.ق ساختن شهر بغداد را بنا به دلایلی که در ادامه اشاره خواهیم کرد، آغاز نمود. به نظر می‌رسد یکی از علل آن، قیام راوندیه علیه او در هاشمیه بود. به خاطر تأمین امنیت و حفظ موقعیت و جایگاه

خویش از آنان دوری گزید و به مکانی که امروز شهر بغداد واقع شده است، آمده و بطریقانی را که در آن نواحی می‌زیستند، فراخواند و در این باره از آنان نظر خواست. آنان به همین مکان اشاره کردند و گفتند: «اگر در اینجا باشی، با کشتی‌ها خواروبار از شام و رقه و مصر و مغرب به سویت می‌آید (طبری، ۱۳۸۷ق: ۶۱۸-۶۱۷) و از هند و چین و بصره و واسط و جزیره و روم و موصل از راه دجله می‌آیند و از ارمنیه و آن سرزمین‌ها که بدان پیوسته است، از راه تامرا تا زاب.» (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۳۶۰/۲؛ ۳۵_۲/۳۴: ۱۹۷۴؛ Khalil's, ۱۹۷۴) آن‌ها بیان کردند که «تو میان چند رودخانه هستی که جز از طریق پل‌ها از آن نتوان گذشت و این‌ها همانند خندق‌هایی هستند که چون مسیر پل‌ها را قطع کنی، دشمن طمع دست‌یافتن به تو را نخواهد داشت. همچنین تو میان بصره و کوفه و واسط و موصل قرار گرفته‌ای، هم به دریا نزدیک هستی و هم به خشکی و کوه» (اصطخری، بی‌تا: ۵۶-۵۹؛ میرزاحمد، ۱۴۱۲، ۱۶-۱۲) به‌منظور نظارت بر شهر و تسهیل ارتباط در داخل و مراقبت از راه‌های کاروانرو در خارج، شهر به چهار بخش مساوی تقسیم می‌شد و هر بخش را نیز دو راه که از دروازه‌های متساوی آن آغاز می‌شد، تقسیم می‌کرد. محل بغداد را مابین دجله و فرات و دجیل و صراه که رشته‌های منشعب از فرات است، انتخاب کردند. بغداد به‌دلیل اینکه بر سر چهارراهی میان ایران، خلیج فارس، بین‌النهرین علیا و سوریه قرار داشت، از موقعیتی عالی برخوردار گردید. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۴/۲-۲۲)

شهر بغداد در محل تلاقی سه‌مسیر آبی یعنی بخش علیای دجله که به‌جانب موصل و ارمنستان می‌رود بخش سندی دجله که به‌طرف خلیج فارس و تنگه نهر عیسی که به‌فرات و سوریه منتهی می‌شد، قرار گرفته بود. ضمناً این نقطه تلاقی دو مسیر زمینی هم هست، یکی به‌جانب شمال شرق و در جهت غرب و جنوب غرب ایران و سپس آسیای مرکزی و دیگری به‌جانب جنوب غربی و در جهت عربستان و شهرهای مقدس مکه و مدینه امتداد می‌یافت؛ بغداد در فاصله مساوی بین بصره و موصل (شمال - جنوب) در مرکز بین‌النهرین قرار گرفته است. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۶۱۵/۷-۶۱۴) موقعیت جغرافیایی آن، در میان مناطق شمالی-جنوبی بین‌النهرین، بغداد را با دشتی حاصلخیز و بازاری برای محصولات مختلف که از مناطق پیرامون می‌آمد، به‌کانون مهم اقتصادی تبدیل کرده بود. از این‌رو بغداد مرکز ترانزیتی بود که بسیاری از کاروان‌های تجاری (زمینی - دریایی) از آن عبور می‌کردند. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۴) آن‌گونه که از منابع برمی‌آید انواع کالاها به‌آسانی از مناطقی مانند هندوستان، آسیای صغیر، سند، چین، دیلم، خزر و حبشه وارد می‌شده است. (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۲۷۸) بغداد جایی بود که تمام ثروت جهان در آنجا جمع شده بود و تمام نعمت‌های جهان در آن وجود داشت. (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۱۹-۱۸) بدین ترتیب موقعیت جغرافیایی بی‌نظیر بغداد از لحاظ کشاورزی، تجارت (خشکی-دریایی) آن را با عمده مراکز تجاری آن روزگار مرتبط می‌ساخت؛ کشتی‌های بازرگانی از رودخانه دجله به‌طرف بصره و خلیج فارس می‌رفتند و از آنجا به-اقیانوس هند و بنادر شرقی عزیمت می‌کردند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۹) درواقع توسعه و رشد بغداد به‌شدت متأثر از

موقعیت توپوگرافی و شرایط طبیعی شهر بود.



شکل ۵: راه‌های تجاری بغداد در دوره اول عباسی (ترسیم نگارندگان)

۳-۳. دما و بارش

آب و هوای بغداد چنان متغیر است که حتی در چند ماهی که اصولاً فصل بارندگی است، بسیار اندک است و دمای هوا تقریباً در سراسر سال طاقت‌فرسا است. با توجه به میزان بارندگی سالیانه که از ۱۴۶ میلیمتر بیشتر نمی‌شود، باید گفت که بغداد در ناحیه‌ای تقریباً بیابانی جای گرفته است؛ زیرا اقلیم‌هایی را بی‌آب و خشک قلمداد می‌کنند که میزان بارندگی آن‌ها در سال معادل ۲۰۰ میلیمتر یا کمتر باشد. گذشته از این بارندگی‌های این سرزمین یکجا در فصل سرما جمع شده است؛ عملاً تنها در پنج‌ماه از سال یعنی از نوامبر تا مارس (آبان تا اسفند) باران می‌بارد. (Pao-Yu Oei, ۲۰۱۴: ۷-۹) ماه‌های دیگر به‌شدت خشک است. تازه باید متوجه این نکته بود که در عرض پنج‌ماه به اصطلاح «مرطوب»، کمبود بارندگی تا بدانجاست که باید گفت صفت مرطوب برای آن در واقع نوعی حسن تعبیر است. این را هم باید افزود که میزان بارندگی سال به سال متغیر است. ناگزیر باید نتیجه‌گیری کرد که باران در این سرزمین عاری از مفهوم و اهمیت است. اگر آبی از خارج نرسد، هیچ حیاتی در بغداد نمی‌پاید؛ نه آدمیان برای آشامیدن چیزی خواهند داشت و نه برای گیاهان کاشت و برداشتی عملی است. باران بسیار کم و گرمای هوا زیاده از حد شدید است. (Pao-Yu Oei, ۲۰۱۴: ۷-۹) تغییر فاحش دمای هوا قبل از هرچیز به دلیل اندازه عرض جغرافیایی و به‌خصوص به سبب درون‌قاره‌ای بودن میان‌رودان است که در

آن عوامل مؤثر دریای مدیترانه دیگر عملاً کارایی ندارد. دامنه دما میان ۲ / ۹ درجه در ژانویه و ۷ / ۳۴ درجه در ژوئیه متغیر است؛ بدین معنی که میان سردترین و گرمترین ماه سال ۵ / ۲۵ درجه اختلاف وجود دارد و این تازه میانگینی ماهیانه است که مانند همه میانگین‌ها جنبه‌ای سطحی و ساختگی دارد. برداشت ما از این ارقام، که مانند همه ارقام مجرد و اعتباری هستند، این است که آب و هوا در این سرزمین بسیار افراطی است، یعنی اُفت-وخیز شدید دارد. با این حال، این دما به سبب خشکی هوا قابل تحمل است و بغداد از این جهت کمتر رنج‌آور است. بغداد از این دیدگاه شهری خاص و ممتاز است؛ زیرا حتی در روزهای گرم تابستان هم تقریباً سه ساعت بعد از غروب آفتاب، گرما ناگهان فرو می‌افتد و همین به انسان مجال می‌دهد که لااقل چندساعتی در پاس دوم شب از هوایی نسبتاً خنک و استراحتی جسمی بهره‌مند شود. (bardy, khawar, ۱۹۷۹: ۱۲۳-۱۲۶) به‌طور کلی وجود منابع آبی دجله و فرات نقش به‌سزایی در ساختار کشاورزی و تجاری بغداد داشته است و با توجه به میزان کم بارش سالیانه مشکلی از بابت تأمین منابع آبی نداشته است. (Pao-Yu Oei, ۲۰۱۴: ۸-۹)

۳-۴. موقعیت آبی بغداد

منابع آبی دشت بین‌النهرین کارکرد ویژه‌ای در ساخت و بنای شهر بغداد داشت و این شرایط طبیعی آبی موجب رشد و توسعه آن گردید. شاید بتوان جمله معروف هرودت که [تمدن] مصر را هدیه بزرگ نیل می‌داند، به بین‌النهرین نیز تعمیم داد و بیان کرد که دجله و فرات نیز هدیه‌ای به سرزمین بین‌النهرین است. (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۱/۳) رودها بارزترین بخش بغداد محسوب می‌شدند که حیات اقتصادی آن در گذشته، مرهون وجود این دو رود بوده است (bardy, khawar, ۱۹۷۹: ۲۵-۲۸) و بنا به گفته مقدسی: «نهرهایش از بهشت است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۵۹/۱-۱۵۷) و آب شیرین و گوارا در اغلب شهرهای آن از جمله بغداد جاری است» (یعقوبی، ۱۴۲۲: ۷-۱) بدین سبب اکنون برای تشریح مسئله به موقعیت طبیعی و تأثیرگذاری اقتصادی هریک از دو رود اصلی بین‌النهرین (دجله و فرات) و در نهایت انشعابات آن‌ها و کارکرد آن‌ها در توسعه بغداد خواهیم پرداخت:

الف. موقعیت دجله

دجله که در جانب شرقی فرات و از رودهای مهم عراق و دارای آبی روان، سبک و شیرین است. این شط که از ۱۲۲ کیلومتری علیای بغداد جریان می‌یابد، دارای عمق متوسط ۴۱ / ۷ تا ۴۳ / ۷ متر و شیبی ملایم و ضعیف است (دوری، ۱۳۷۵: ۷۵) که در ماه آوریل در اثر بارش‌های زمستانی حاشیه سطح آب آن به بالاترین حد و در پایان تابستان در اثر خشکی به پایین‌ترین حد می‌رسد؛ بنابراین میزان آب رود ارتباط مستقیمی با میزان بارش در طول سال داشته است. (همان، ۹۲) ضمن بررسی موقعیت طبیعی دجله، جغرافی‌نویسان متقدم سرچشمه این بزرگ‌رود را آب‌های توروس در شرق ترکیه کنونی در نظر گرفته و از آن به چلورس نیز یاد می‌کند که تا حدودی با سواحل شمالی دریاچه وان هم‌عرض است. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۲۸/۱-۱۲۶) دسته‌ای دیگر از جمله مقدسی، کوه‌های آمد را به‌عنوان سرچشمه

رود در نظر می گیرند که هرچه به سمت پایین می رود بر طول آن افزوده می شود و آب هایی از کوهستان دیاربکر به آن متصل می گردد، سپس با گذر از میافارقین، قلعه کیفا (بروسوی، ۱۳۹۴: ۸۲)، جزیره، از موصل و تکریت، سپس بغداد، واسط، بصره و عبادان می گذرد و در نهایت به دریای فارس می پیوندد (قزوی، ۱۹۹۸: ۳۲۱-۳۱۳). به هر حال به نظر می رسد مسیر این رود همواره در طول تاریخ یکسان نبوده و مجرای آن تغییر یافته است. (اوپنهایم، ۲۰۰۸: ۲۷۲/۲)

ب. تأسیسات آبرسانی و سازه های آبی

عراق به صورت کلی و بغداد به شکل خاص به زمین های پُر گیاه و حاصلخیز آن مشهور است و شاید علت آن به سیستم استفاده از آب دجله و فرات و وجود نظام دقیق آبیاری و زمین های آبرفتی حاصلخیز که مناسب زراعت بود، بازمی گردد. این بستر حاصلخیز هر سال به واسطه آنچه رود دجله و فرات از آبرفت ها و رسوبات با خود می آورد، احیا و تجدید می شود. منطقه سواد (ناحیه ای آبرفتی) در اوقات آرامش و امنیت و وجود حکومت قوی که با دستانی آهین بر تمام نقاط بغداد سیطره داشت، پربارتر و بهتر می شد. (Pao-Yu Oei, ۲۰۱۴: ۷-۸) عباسیان وارث این نظام آبیاری شدند و نه تنها بر آن محافظت داشتند بلکه گاهی اوقات نیز با حفر چاه و قنات و احداث سدها، بر باروری و حاصلخیزی آن افزودند و این سیستم را احیا کردند. نظافت و تمیز کردن نهرها ضرورتی مبرم و فوری بود؛ چراکه دو رود دجله و فرات مواد معلق را با خود حمل می کنند که به تنهایی پنج برابر آن مقداری است که رود نیل با خود دارد. این دلیل روشن و ملموسی است بر اینکه از بین رفتن سیستم آبیاری تا اندازه زیادی به رسوباتی که دجله و فرات هنگام طغیان با خود حمل می کنند، بازمی گردد. عباسیان دیوانی به نام دیوان اقرحه برای نظارت بر آبیاری و قنات ها داشتند (به معنی زمینی که مخصوص زراعت و نشاندن درخت باشد، همچنین به معنی آب پاکیزه و صاف نیز هست). (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۲۲/۵)

بی گمان سازه ها و احداث تأسیسات آبرسانی مصنوعی از جمله نهرها، سدها، کانال ها، پل ها و بندها از اقدامات مورد توجه خلفای عباسی بوده است. از نمونه های متعدد این تأسیسات و سازه ها می توان به نهر نهروان در شمال شرقی بغداد (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰)، نهر ملک (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۳۷/۱)، نهر کوئی (لسترنج، ۱۳۶۴: ۹۱-۹۲)، نهر ابواسد (لسترنج، ۱۴۲۷: ۶۴)، نهر ترس (لسترنج، ۱۳۶۴: ۸۱) و نهر صراه (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۵) در جنوب غربی بغداد اشاره نمود که در دوره خلافت عباسی توجه ویژه ای جهت حفظ و مرمت آن ها مبذول گردید (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۱/۱) در دوران خلافت عباسی با توجه به موقعیت طبیعی منطقه، به منظور آبیاری مناطق اطراف دجله و فرات و ایجاد امکان زراعت و بهره وری بیشتر از زمین ها، حفر کانال ها و نهرها، احداث سازه های آبی و نظارت بر چگونگی بهره وری از آب این رودها را مورد توجه خود قرار داده بودند. خلافت عباسی به منظور کنترل جریان طبیعی آب رودها و ممانعت از طغیان های دجله که سهویژگی وسعت دامنه، هم زمانی جریان و

ناگهانی بودن سیل را در خود داشته‌اند، همواره سعی در حفظ و ایجاد کانال و بند برای مقابله با طغیان‌های احتمالی داشت؛ این در حالی است که این سیل‌بندها توانایی تخلیه آب بیش از ۷ تا ۸ هزار مترمکعب در ثانیه را نداشته و نتوانسته بین‌التهرین را از خطر طغیان‌ها و سیلاب‌های عظیم به دور نگه دارند. (دوری، ۱۳۷۵: ۹۱) اساساً در دوره خلافت عباسی توجه به ساخت انواع کانال‌ها و ترعه‌های جدید در کنار احیای سازه‌های به‌جای‌مانده از دوران ساسانی، در دستور کار خلفا بود و از آنجا که تأسیس و حفر آبراهه‌های مصنوعی اقدامی هزینه‌بردار و نیازمند حمایت نهادهای غیرشخصی و به‌قولی حاکمیت مقتدر محلی و فرامحلی است؛ بنابراین حکومت عباسیان نیز هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی در دوره آغازین، مقتدرانه چنین تأسیساتی را با هدف تحوّل شرایط اقتصاد وابسته به کشاورزی در دستور کار خود قرارداد. همچنان‌که این اقدامات در کنار عامل اقتصادی، افزایش قدرت حاکمیت را در پی داشت و خود اسباب انگیزه خلفا نسبت به گسترش تأسیسات این‌چنینی را فراهم می‌نمود.

ازجمله سیاست‌های عمرانی دیگر می‌توان به اقدام منصور عباسی (حك: ۱۳۹ هـ) که به تأسیس کانال‌ها و ساخت ابزارهای انتقال آب به مکان‌های دور دست بغداد پرداخت و همچنین مهدی عباسی (حك: ۱۶۱ هـ) که دستور به تأسیس برکه‌ها داده و به حفر آن‌ها در کنار چاه‌ها فرمان داد، اشاره کرد. (طبری، ۱۳۸۷ق: ۶۱۶/۷) علاوه بر این سنجش میزان ارتفاع آب، مراقبت از کاهش و یا افزایش آن تا دوران خلافت واثق در برنامه کاری حکومت قرار داشت (حك: ۲۳۲ هـ) و به تدریج و با نفوذ ترکان سرانجام با افول مواجه گردید. به‌طورکلی در سراسر این دوره گروهی از کارگزاران توسط حکومت بر جریان آب‌ها و آبیاری دجله و فرات و چگونگی هدایت آب و بالاکشیدن آب‌های هدایت‌شده از طریق ابزارهایی چون دولاب، دالیه، ناعوره و زرنوق نظارت داشتند. (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۰۵؛ دمشق، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

ازجمله مهم‌ترین نهادهای منشعب از جانب شرق دجله می‌توان به رود تامرا و دیاله اشاره کرد که پس از رسیدن به شهر نهروان در دوازده‌میلی شرق بغداد، نام نهروان به خود گرفت. ظاهراً نام رود قبل از ظهور اسلام بیشتر به تامرا و سیروان مشهور بوده است و پس از اسلام نام دیاله بر آن نهاده شد. این نهر که هفت نهر مشهور ازجمله جلولا، برذی، مهرود، براز الروز، نهر خالص، طابق و دنباله نهروان از آن منشعب می‌شده، با شاخه‌های خود بخشی از نواحی بغداد را سیراب می‌کردند. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۴۴/۱؛ ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۱۹۱)

نهروان که بنا بر اقوالی از سازه‌های مهم پیرامون بغداد بود و درختان و نواحی شرقی آن را مشروب می‌کرد، از برخی جهات همواره مورد توجه قرار می‌گرفت. این توجه از آن‌ نظر بود که در صورت عدم اقدام به حفر این نهر، هنگام طغیان دجله آب‌های مزبور تمام پیرامون آن را فرامی‌گرفت؛ بنابراین رسیدگی به مرمت و حفظ آن در دستور کار خلفا بود. (ابن رسته، ۱۳۱۲: ۹۰) کمی پایین‌تر از نهروان سه‌نهر کوچک با نام‌های یهودی، مأمونی و ابوالجند در دو فرسخی جنوب سامرا به نهروان ملحق می‌شدند و سراسر ناحیه جنوبی نهروان را مشروب

می کردند. (ابن سراجیون، بی تا: ۲۰۶) نهر مدار نیز که از قسمت شرقی دجله منشعب می شود و زمین های اطراف خود را آبیاری می کند (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۱۹۱)، همه از سازه های منسوب به ادوار قبل از اسلام به ویژه ساسانیان بوده اند که در دوره اول خلافت عباسی، اهمیت ویژه ای به نگهداری و بازسازی آن ها شده بود. در کنار رودهای مشهور نام برده که عمدتاً از زمان ساسانیان به جای مانده بود، منابع جغرافیایی در ذکر سایر انشعابات دجله تنها به ذکر نام برخی نهرها بسنده کرده و توضیح مستقلی درخصوص موقعیت و ویژگی های آن ها ارائه نکرده اند (حافظ ابرو، ۱۳۷۵: ۲۹)؛ ازجمله می توان به نام رودهای ذکر شده توسط ابن سراجیون ازجمله میسان، دقله، نهر سیب (ابن سراجیون، بی تا: ۲۰۶)، نهر قریش و نهر بردودی اشاره کرد.

در گزارش ابن سراجیون به این نکته اشاره شده است که این نهرها از ساحل راست دجله در بخش های شمالی آن جدا شده اند و به سمت غرب در جریان هستند. ابن سراجیون در خصوص آخرین مورد از نهرهای انتهایی دجله گزارش می دهد که بردودی از روستای شدیدیّه در غرب دجله جدا می شود و در نهایت به بطایح می ریزد. (همان، ۱۲۹) از دیگر نهرهای مهم حفر شده در بغداد می توان به نهر دجیل که نخستین شاخه از دجله در جهت بالای بغداد است، اشاره نمود. (لسترنج، ۱۴۲۷: ۷۳؛ ابن سراجیون، بی تا: ۱۳۱) این نهر نیز به امر منصور برای آبیاری نواحی و روستاهای اطراف بغداد و تکریت در جنوب سامرا چون حری، مسکن، بلد و مطیره در نظر گرفته شده بود. (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۴/۱؛ اصطخری، بی تا: ۸۵) نهر دیگری که منسوب به ساسانیان است، نهر صراه در قسمت غربی بغداد بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۷۳/۱؛ ۲۸_۱۹۷۴: ۲/۲۵ Khalil's) که در ادوار اسلامی از جمله دوره اول خلافت عباسی به توسعه آن توجه ویژه ای گردید؛ به عنوان مثال می توان به اقدام مأمون عباسی در جهت گسترش نهر اشاره نمود (بغدادی، ۱۴۱۷: ۷۹/۱) که این نهر بغداد را دور میزند تا به انبار برسد، (ابن حوقل، ۱۹۳۸: ۲۳۲/۱؛ ابن سراجیون، بی تا: ۱۳۱) از فاضلاب های نهر عیسی فراهم می آمد. (اصطخری، بی تا: ۸۵؛ بغدادی، ۱۴۱۷: ۳/۱۴۰۰) اندکی پایین تر از این - نهر، نهر خندق منشعب می شود. (ابن سراجیون، بی تا: ۱۳۹؛ ادیسی، ۱۴۰۹: ۲/۲۵۶) این نمونه ها خود حاکی از اهمیتی است که خلفای عباسی برای احداث سازه های آب رسانی و گسترش آن ها به منظور رونق عمران و آبادی قائل می شده اند و در آن از هیچ گونه اقدامی ازجمله صرف هزینه های هنگفت و به کارگیری متخصصان کوتاهی نمی کردند. به طور کلی علاوه بر نهرهای مذکور، هزاران نهر کوچک و بزرگ دیگر از فرات و دجله در جریان بوده که در منابع به طور اجمالی به ذکر نام آن ها اشاره گشته است، ازجمله نهر صرصر که زیر روستای دما قرار دارد، نهر گلاب، قلابین، گرخایا و رزین که همگی از سازه های فرات محسوب می شوند. (ابن سراجیون، بی تا: ۱۲۴)

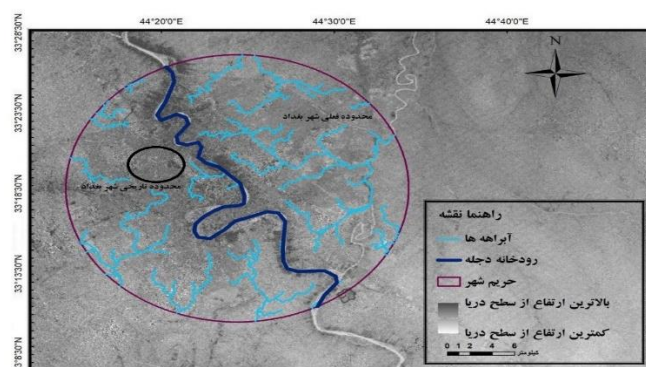
د. مخاطره سیل خیزی شهر بغداد

رودخانه ها ضمن اینکه چشم انداز بسیار زیبایی برای شهرها ایجاد می کنند، اگر حریم آن ها رعایت نگردد، در هنگام طغیان برای ساکنین شهر خطر آفرین خواهند بود. سیل یک جریان آب شدید استثنایی است که ممکن

است از بستر رودخانه لبریز شده و اراضی اطراف بستر را اشغال نماید. (حسین، ۱۳۸۲: ۱۳۷-۳۸) شط دجله با توجه به اهمیت بسیاری که در رونق تجارت و کشاورزی بغداد داشت و مهم‌ترین راه درآمدزایی دارالخلافه به‌شمار می‌رفت، همواره برای ساکنانش دردسرسازترین بود؛ در واقع مشکل بزرگ بغداد سیل‌های مکرر دجله بود. (Pao- ۷_۸: ۲۰۱۴، Yu Oei) طغیان‌های مکرر دجله و فرات، علاوه بر آنکه خسارات بسیاری به خانه‌ها، مراکز کسب و زمین‌های مزروعی اطراف شط می‌زد، موجب توقف موقت حرکت کشتی‌ها و کاهش واردات کالا به شهر می‌شد. نابودی محصولات زراعی و کاهش واردات نیز همواره افزایش قیمت را به دنبال داشت. (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۵۸۶/۷) علاوه بر خطر طغیان، نقصان آب دو رودخانه دجله و فرات هم موجب بروز مشکلات اقتصادی در بغداد می‌شد. پایین‌رفتن سطح آب دجله و فرات در حرکت کشتی‌ها اختلال ایجاد می‌کرد.

بدین ترتیب، وقوع سیلاب‌ها و نزول باران و نابسامانی اوضاع بغداد به دلیل شرایط جوی، از بدو تأسیس شهر بغداد امری رایج بوده است. آنچه بر وخامت اوضاع می‌توانست بیافزاید، سوءمدیریت، تلاش‌های ناکافی و نامستمر حکام و عدم مقابله صحیح با بحران‌های ناشی از شرایط جوی بود که نتیجه‌ای جز ویرانی بغداد به بار نیاورد. فیضان و نقصان آب دجله و فرات همواره به زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها آسیب زده و موجب نابودی محصولات می‌شد؛ در نتیجه، بازار با کمبود محصولات کشاورزی مواجه می‌گشت و قیمت محصولات بالا می‌رفت. از سوی دیگر، طبقه ضعیف جامعه امکان خرید محصولات را نداشته، با فقر و گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کردند. در این میان مهندسان طراحی شهر با توجه به این موقعیت آبی خاص شهر سعی کردند از آب‌بندها، نهرها، سدها و تأسیسات دیگری برای انتقال مسیر آب و جلوگیری از تخریب بالا استفاده

نمایند. (Khalil's, ۱۹۷۴: ۲/۲۵-۲۸) به‌طورکلی با توجه به شیب مناسب زمین و نوع پوشش گیاهی، امکان تقسیم آب در این جلگه آبرفتی همواره میسر بوده است. نقشه زیر شیوه تقسیم سطحی آب در دشت میان‌رودان را نمایش می‌دهد.



شکل ۶: نقشه تقسیم آب‌های سطحی شهر بغداد (ترسیم نگارندگان)

۴- نتیجه

منطقه بین‌النهرین با توجه به شرایط زیست‌معمیشتی، وضعیت سوق‌الجیشی، همجواری تمدن‌های کهن، انباشت اقتصادی-فرهنگی و قدمت سکونتگاه‌های شهری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تمدن شهری در طول تاریخ بشر محسوب شده است. در این‌میان شهر بغداد که در سده دوم هجری در مرکزیت این حوزه قرار گرفت، به‌واسطه مکان‌یابی هوشمندانه توانست پس از تأسیس (۱۴۵ هـ) به‌سرعت رشد و توسعه روزافزونی کسب نماید. مهم‌ترین ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه ازجمله واقع‌شدن در دشتی حاصلخیز، شیب و ارتفاع مناسب، نوع پوشش گیاهی، میزان دما و بارش، منابع کافی آب‌های سطحی و زیرزمینی، موقعیت مناسب ارتباطی و ژئوپلیتیکی منطقه، نقش و تأثیر به‌سزایی در مکان‌یابی و توسعه این شهر به‌عنوان مرکز دارالخلافه اسلامی داشته است. چنانکه با بررسی نقشه‌ها و به‌کارگیری مدل‌های جغرافیایی نیز مشخص گردید که این-شرایط به‌عنوان پتانسیل طبیعی و جغرافیایی مؤثر در فرایند استقرار و توسعه موزون شهری، در عمل موجب صرفه‌جویی در هزینه برقراری امنیت به‌واسطه وجود حوزه‌های باتلاقی، بهره‌گیری از موقعیت مناسب آبی و حوزه‌های آبرفتی جهت کشاورزی، سهولت در تأمین مواد غذایی، بهره‌برداری ویژه از شرایط اقلیمی مناسب برای تسهیل روند تجارت و از همه مهم‌تر ثبات و پایداری بغداد به‌عنوان یکی از مراکز مهم تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جهان اسلام به مدت پنج سده گردید.

منابع و مآخذ

۱. ابن حوقل، صورة الأرض، بیروت: دارالصادر، ۱۹۳۸.
۲. ابن خردادبه، مسالك و ممالك، بیروت: دارالصادر-لیدن، ۱۹۹۲.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون (العبر و دیوان المبتدا)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
۴. ابن رسته، الاعلاق النفیسه، لیدن: مطبعه بریل، ۱۳۱۲.
۵. ابن سراجیون، سهراب، عجائب الاقالیم السبعة إلى نهاية العمارة، مطبعه أدولف هولز، هوزن-وین، بی.تا.
۶. ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، مصحح: یوسف هادی، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۶.
۷. ابن کثیر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷.
۸. ابن وحشیه، احمد بن علی و توفیق فهد، الفلاحه النبطیه، دمشق: المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربیه، ۱۴۱۸.
۹. ابو الفدا، تقویم البلدان، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۱۰. ادربیسی، محمد بن محمد، نزهة المشتاق فی اختراق الافاق، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۹.
۱۱. اشرف، احمد، ویژگیهای تاریخی شهر نشینی در ایران - دوره اسلامی. مجله: نامه علوم اجتماعی. شماره ۴. ۱۳۵۳.
۱۲. اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالك و الممالك، بیروت: دارالصادر، بی.تا.
۱۳. اوینهایم، ماکس فرایر فون، «من بحر المتوسط الى خلیج»، لندن: دارالوراق، ۲۰۰۸.
۱۴. بروسوی، محمد بن علی، اوضح المسالك الى معرفه البلدان و الممالك، تصحیح المهدی عبدالرواضیه، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۴.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دارالمکتب الاحیا، ۱۹۸۸.
۱۶. بلعمی، تاریخنامه طبری، مصحح: محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. حافظ ابرو، جغرافیای حافظ ابرو، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۵.
۱۸. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سسیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۸۵.
۱۹. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد أو مدینة السلام، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۷.
۲۰. دایره المعارف بزرگ اسلامی، مجموع نویسندگان، ذیل مدخل بغداد، آنلاین.
۲۱. دمشقی، محمد بن ابیطالب، نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، تصحیح آگوست فردیناند، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۲۲. دوری، عبد العزیز و دیگران، بغداد (چند مقاله در تاریخ و جغرافیای تاریخی)، ترجمه دومینیک سوردل و اسماعیل دولتشاهی، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۳. دینوری، ابوحنیفه، اخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، نی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. صدر، احمد رضا حاج سید جوادی، دایره المعارف بزرگ تشیع، زیر نظر بهالدین خرمشاهی، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۵.
۲۵. طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوك)، بیروت: روائع التراث العربی: ۱۳۸۷ ق.
۲۷. لسترنج، گای، بلدان الخلافة الشرقية، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۷.
۲۸. _____، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی (بین النهرین، ایران و آسیای مرکزی)، ترجمه محمود عرفان، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۴.
۲۹. قزوینی، زکریا ابن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۸.
۳۰. مجید زاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین النهرین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
۳۱. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب با مقابله و حواشی و تعلیقات و فهرس، قزوین: نشر طه، ۱۳۷۸.
۳۲. مسعودی، التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۳۳. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
۳۴. نگارش، حسین، «کاربرد ژئومورفولوژی در مکان گزینی شهرها و پیامدهای آن»، جغرافیا و توسعه ۱، ش. پیاپی ۱ (۱۳۸۲): ۵۰-۱۳۳.
۳۵. یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۵.
۳۶. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، مصحح محمد امین ضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲.

37. Akanda, A., Freeman, S. and Placht, M. *The Tigris-Euphrates River Basin: mediating a Path towards Regional Water Stability*. Tufts University. 2007.
38. Al-Sayyad, Nezar, *Cities and Caliphs: On the Genesis of Arab Muslim Urbanism*. New York: Greenwood Press, 1991.
39. Badry, M. M., Mehdi, M. S. and Khawar, J. M., *Water resources in Iraq. In: Irrigation and Agricultural Development. A joint publication of ECWA, FAO and the Foundation for Scientific Research of Iraq, edited by S.S. Johl*. Pergamon Press. 1979.
40. Ellis, William, "The New Face of Baghdad", *National Geographic* 167, no. 1 (1985): 80-109.
41. Encyclopedia Iranica Foundation, New York, NY 10025 Inc. Vol. III, Fasc. 4. online.

42. H. A. R. Gibb, J. H. Kramer's, E. \, J. Schacht. Encyclopedia of Islam. Vol I. Leiden E. J. Brill 1986.
43. Huda, "Baghdad in Islamic History", *Learn Religions*, Feb. 11, 2020, learnreligions.com/baghdad-in-islamic-history-2003.
44. JACOB LASSNER, THE CALIPH'S PERSONAL DOMAIN: THE CITY PLAN OF BAGHDAD REEXAMINED. *Kunst des Orients*. Vol. 5, H. 1 .pp. 24-36 (13 pages). Published By: Franz Steiner Verlag. (1968).
45. _____, *The Topography of Baghdad in the early middle Ages: Text and Studies*. Detroit: Wayne State University Press, 1970.(Jacob Lassner. 1970. 67-71)
46. _____. Notes on the Topography of Baghdad: The Systematic Descriptions of the City and the Khaṭīb al-Baghdādī. *Journal of the American Oriental Society*. Vol I. 83, No. 4 (1963), pp. 458-469. Published By: American Oriental Society
47. Khalil's II. Al-Ashad, M.a. The Ullman Geography OF Baghdad. Thesis Presented for the degree of doctor OJ? Philosophy IN the university pf Newcastle upon tyne .march, 1974.
48. Pao-Yu Oei, Markus Siehlw, *An Optimal Allocation of Water Resources in Turkey, Syria and Iraq*. Deutsches Institut für Wirtschaftsforschung, 2014.